

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن – لمان  
۲۰۰۹/۰۸/۱۸

به مناسبت جشن یکسالگی پورتال "افغانستان آزاد"

## سنگرِ ناشکن

چشمِ بد دور ، که رشکِ همه سایتها شده ای  
تا به ( افغان ) و ، به ( آزاد ) ، مسما شده ای  
چشمِ بد دور ، که یکساله ، ره صدساله  
ساده پیموده و چون ، روحِ مسیحا شده ای  
چشمِ بد دور ، که در وحدتِ ملیِ وطن  
حایزِ منصب و هم ، رتبهٔ بالا شده ای  
چشمِ بد دور ، که با خامهٔ فرهنگ و ادب  
سپر و نیزه و شمشیرِ صفِ ما شده ای  
چشمِ بد دور ، به کامِ همهٔ هموطنان  
عسل و شیر و شکر ، قند و مربا شده ای  
چشمِ بد دور ، که بالِشکرِ نظم و نقدت  
فاتحِ مملکت و ، قارهٔ دلها شده ای

چشم بد دور ، که بالحنِ ملیح و شکرین  
دلبرِ مرد و زن و ، پیر و ز برنا شده ای

چشم بد دور ، که منظورِ نظر ، بر همگان  
خوش قد و قامت و خوشهیکل و زیبا شده ای

چشم بد دور ، که خوبان به تو دل باخته اند  
گوئی عالم همه مجنون و تو لیلا شده ای

چشم بد دور ، که در کوچه و پسکوچه عشق  
یوسفِ مصر ، به بازارِ زلیخا شده ای

چشم بد دور ، که فرهنگ ز تورنگ گرفت  
به ادبگاہِ هنر ، مظهرِ اعطا شده ای

چشم بد دور ، که با (موسوی) و (معروفی)  
سنگرِ ناشکنِ جبهه و الا شده ای

چشم بد دور ، که باغ و چمننت پُر ز بهار  
تا ابد چون گلِ (نسرین) شکوفا شده ای

چشم بد دور که (پیکار) و (علی مشرف) و غیر  
افسرانند و تو ، سر افسرِ اعلا شده ای

چشم بد دور ، که با نظمِ نوِ (آصفه جان)  
فخرِ فرهنگ و ادب ، زان یدِ بیضا شده ای

(روستائی) و (عزیز) تو که فخر الفضلاء  
مجمع عالم و دانشور و دانا شده ای

آنکه با نامِ غلط ، در پیِ آزارِ تو شد  
مطمئن باش که آزاد و ، سرِ پاشده ای

هرکس و ناکس اگر فحش دهد ، خُرده مگیر  
زانکه از عوعوِ شان بیه که گریزا شده ای

(کابلی) نام و (وطندار) اگر شهرتِ او

مستعارست و بگو ، زاده فحشا شده ای  
ز (لطیف)ی که عقیف است و نظیف است و الیف  
صوفیان را ز وفا ، منزل و مأوا شده ای  
ز خداوند سخن ، حضرت ( فخرالشعراء )  
جو ( نسیمی ) که ( اسیر ) می و مینا شده ای  
( حاجی ناظم ) که به گلبازی جرمن مشغول  
به عمل کرد جنابش چو چلیپا شده ای  
( برکت ) ، معجزه ها کرده به فرهنگ زبان  
تا به ( پشتو ) و ( دری ) ، حل معما شده ای  
عالم و فاضل و شاعر ، همه را جمع کدی  
نشود کان سخا ، معدن زایا شده ای؟  
رنگ و بوی تو شده ، باعث وحدت ، بخدا  
دلربا ، دلبر و دلدار و دل آرا شده ای  
مطلب تازه و نو ، جالب و هم کاغذ پیچ  
همه روزه به ده ها ، خوب مهیا شده ای  
خوده اسپند کده چشم بده ، کور بگو  
خار ، بر چشم همه بی سر و بی پا شده ای  
خوده اسپند بگو ، تا که نظر بند نشی  
نخل پر برگ و ثمر ، معجزه آسا شده ای  
ولی افسوس که در قسمت ( آقای وهاج )  
باعث رنجش این شاعر رسوا شده ای  
« نعمت » هر لحظه به همکاری تو ، فخر کند  
که تو هم ناشر اندیشه ابها شده ای  
جشن یک سالگی ات بر همه بادا تبریک  
چه عجب سنگر پولادی پایا شده ای